

افغانستان در پرتو تاریخ  
سلاله برهمشاهی یا هندو شاهی کابل  
دیوار های کابل  
و  
کوشان شهر  
کابل



## دیوارهای قدیم کابل

یکی از خاطرهای قدیمی که اهمیت شهر کابل را مخصوصاً از نظر ترتیبات تدافعی ثابت میسازد وجود دیوارهای قدیمی است که خوشبختانه هنوز حصه ممتازی آن روی تپه های دوکوه شیر دروازه و آسمانی باقی مانده و از هر گوشه و کنار شهر جلب نظر میکند. کوه بچه های شیر دروازه و آسمانی که یکی مقابل دیگر، یکی افق جنوبی و دیگری افق شمال غربی شهر قدیم را محدود ساخته در روزگارانی پیشین پیش از اسلام و در قرون اولیه هجری نفس شهر کابل را بحیث حدود طبیعی محدود ساخته و مدافعان شهر از جدارهای طبیعی کوهها کار گرفته و دیوارهای مستحکم شهر را روی تپه های آنها بر پا کرده اند. کابل فعلی قراریکه همه میدانیم به دو طرف مسیر رودخانه می افتاده که بنام رود کابل شهرت دارد و از سرچشمه از سلسله جبال کوه پغمان سرچشمه میگردد ولی به نحوی که در یکی از مقاله های یاد یومی نوشتیم روزگاری هم بود که آبادی های کابل بیشتر در حوضه رودخانه دیگری متمرکز بود که بنام رود لوگر یاد میشود و از دند لوگر از ناحیه جنوب آمده بالاخره از تنگی ده یعقوب گذشته ساکها و شیوکی را آبادی میکنند و چندین کیلومتر بیشتر از تنگ غاروی به رودخانه کابل یکجا میشود. تعویب سیر آبادی های کابل اگر به دقت نگریسته شود واضح میشود که کابل که مرکز نقل آبادی های آن در طی قرون ۲ و ۳ مسیحی در پای سلسله کوه چکری قرار داشت به تدریج از حوضه رود لوگر به حوضه رود کابل تغییر محل داده و درین سیر تداریجی وقتی هم فرارندیده است که اراضی بین دوکوه شیر دروازه و آسمانی به شمول بوته بالا حصار کسب اهمیت کرده است.

به شهادت متون اسلامی قرن چهارم هجری مانند المسالك والممالک اصطخری تا این خرداد به وحد و العالم واشکان العالم منسوب به جبهانی کابل همیشه به صفت (قلعه) (قهندز) یا (کهندز) (دژ) و (حصار) یاد شده و این قلعه یاد با حصار همیشه به صفت حصین و مستحکم و استوار صفت شده و شهر از خود (دبش) یا حومه داشت که خارج دیوارهای قلعه با حصار دامنه آن منبسط بود.

پس به شهادت ماخذ اسلامی قرن چهارم هجری که مصافح به قرن دهم  
 مسیحی میشود قلمه وحصار کابل هم وجود داشته و هم استحکام آن شهرت  
 داشت .

ملفتت باید بود که موضوع دیوارهای کهن روی کوههای کابل باموضوع  
 (قلمه مستحکم) شهر مربوط به يك دیگر بود اصلاً وجود (کهندژ) یا (قلمه  
 کهن) که بشهادت وجود دیوارها در محل لا حصار فعلی قرار داشت سبب تعبیر  
 دیوارهای مذکور شده بود تا قلمه از نظر دفاع استحکام پیدا کند .

مورخان افغانی تا يك وقتی چنین فکر میکردند که اصلاً دیوارهای قدیم  
 کابل در مقابل مهاجمان عربی مقارن نشر دین مقدس اسلام در بین نواحی از طرف  
 پادشاهان کابل زمین رتبیل شاهان ساخته شده است .

ولی اگر به طول کار و عظمت بنا و دقتی که در عمر آن پیکار رفته دقت  
 شود منطقی چنین حکم میکنند که این دیوارها به عجله ساخته نشده و مفکوره  
 عمران آن سابقه قدیم تری داشته .

یکی از علمای غربی پادر کسپائی ایتالوی که مدت تقریباً ۱۸ سال در  
 کابل می زیست و مقاله می هم در شماره دوم سال ۱۹۴۶ مجله افغانستان نشر  
 کرده است چنین می پنداشت که دیوارهای روی کوههای کابل محتملاً در  
 زمان یفتلی ها در قرن ۵ مسیحی آباد شده است .

شبهه می نیست که یفتلی ها که هنوز به تعداد تقریباً ۲۰ هزار نفر در شمال  
 فیض آباد در بدخشان بود و باش دارند در طی قرن ۵ مسیحی بحیثیت يك قوم  
 دینامیک به شمال و جنوب هندوکش به فعالیت درآمده سا سانی ها را از قلب  
 مملکت به طرف سرحدات غربی عقب زدند و در جنوب هندوکش يك قبیله معروف  
 آنها به نام (زاوولی) در زابل و کابل یعنی در غزنه و حوالی کابل فعلی مسقر  
 شدند و نام های (زاوول) و (کاوول) و زابلستان و کابلستان از خاطرهای عهد استقرار  
 آنها است .

چون یفتلی ها مردمان سلحشور و جنگجو بودند و از نظر سوق الجیشی  
 به شناخت اراضی مهارت بسزائی داشتند طبق نظر دانشمندان ایتالوی مذکور  
 احتمالات قوی میرود که هسته قلمه مستحکم کابل در محل بالا حصار فعلی و حصار  
 روی کوههای کابل برای محافظه قلمه بدست ایشان آباد شده باشد .

دیوارهای قدیم کابل يك نمونه بسیار کوچک از دیوارهای اعظیم چین است  
 که شواهد آن در ۹۰ کیلو متری غرب بیکن در جهان شهرت تامی دارد قرار یکه  
 همه میدانیم دیوارهای کبیر چین در حدود ۳۰۰۰ کیلو متر طول داشته و در  
 حوالی ۲۵۰ ق از طرف یکی از دو دمان های چینی موسوم به مانچو در مقابل  
 تهاجم هیوانگتو ها ساخته شده بود . دیوارهای کابل در مقابل دیوارهای کبیر



کوه توپ در منطقه گذر گاه در چهاردهی کابل و دیوارهای بالای کوه شیر دروازه را شما میبینید. من بخاطر دارم که در دهه چهل خورشیدی در باغ بابر شاه در گذرگاه در زمان سلطنت محمد ظاهر پادشاه آنوقت افغانستان، جشن جمهوری ثارندوی دایر گردیده بود. ثارندوی در مکاتب کابل از جمله شاگردان بودند. نخست زمرک یاد میشدند، بعدن رتبه دار میشدند و ثارندوی نامیده میشدند و در درجه های بلندی بنام شگنوال یاد میگردیدند.

بعد از جشن جمهوری در باغ بابر همه ثارندوی ها و شگنوال ها اریکین هارا پر از نفت یا تیل خاک نموده و از طرف شام بالای دیوار های کوه آسمایی و شیر دروازه فراز آمده بودند و تمام شب تا به گل صبح و وقات روشنی و طلوع اشعه های زرین خورشید در بالای دیوار های کوهها قرار داشتند.

یاد آنوقت ها گرمی باد و یاد فرید جان، محفوظ جان حکیمی، خوشحال جان عبدالله و قدرت دلاوری و همه ثارندوی های آنروز گار را گرمی میدارم. هر جای استند، آب شان سرد و نان شان گرم و اسپ شان در کمند باشد.



شما میبینید که از پایان به بالا چند جای دیوار هارا عمدن وقصدن غلتانده و خراب کرده اند تا از یک طرف به طرف دیگرکوه با موتر های شان رفت و آمد کنند. همه جاهای کوه هاو همواری ها ودامنه های کوه هارا نخست زورمندان که در کابل بزور بی 52 بعد از سال 2001 داخل شدند غصب نموده و بین اعضای احزاب شان تقسیم کرده و فروخته و بعدن خانه ها و منازل را آباد کردند. این دیوارها از منطقه کوره گاه نزدیکی های یخ دان که بین پل آرتل وگذر گاه قرار دارد ، در کوه شیر دروازه شروع شده و تا گردنه ای سر قبر نداف که در بین ویسل آباد و شهدای صالحین موقعیت دارد ، ادامه می یابد.

تمام عکسبرداری از باقی سمندر است.

## کابل

### و نام های قدیم آن در ادوار تاریخ

کابل به اصطلاح طبقات الارضی «ته کاسه» می است که در آن آب های ارتقاهاات نقاط مجاور جمع شده به تعبیر دیگر ریزشگاه آب ها است. با يك نگاه مختصر با اطراف کابل و مشاهده چمن خواجه و اوش در شمال، چمن بیخی نیز از در غرب و چمن قلعه خشمت خان در جنوب شرق واضح دیده میشود که مفکوره و اصطلاح طبقات الارضی حقیقت داشته و قسمتی از آب ها که از دامنه های کوه های ماحول فرود آمده و می آید مجرا نداشته و به «کاسه های» مختلف جمع شده و هنوز هم شواهد آن در چار گرد شهر مشهود است هویداست که در ادوار قدیم رودخانه ها معبر طبیعی رفت و آمد مهاجران بوده و دهکده ها و شهرها در کنار رودخانه ها پدید آمده است. در سرد «وید» یادگار آریایی های باستان اسم رودخانه کابل بنام «کوبها» آمده و به تکرار استعمال شده و واضح است که آریاها در دوره اقامت خویش در افغانستان و در زمان مهاجرت بطرف جلگه های «هفت دریا» یعنی پنجاب آنرا میشناخته اند.

طبیعی این وقت ما هنوز از شهر و شهر نشینی اثری نبود و لاند شهری هنوز در کرانه های رودخانه پیمان نیامده بود و مهاجران آریایی عملاً با خیمه و خرگاه حیات مالداري خود در کرانه های سپر آن مشغول مالداري بودند. در کلمه «کوبها» قدیم ترین نام رودخانه کابل «کوب» به معنی «آب» است که با ابدال «و» به «الف» هنوز هم در کلمه «کابل» از بین نرفته و آنها می که بصورت شاعرانه در کلمه «کابل» «آبی» در میان «گل» دیده اند به حقایق فیلولوژی هم مقرون هستند.

کابل قدیم مرجا بود قدم مسلم آنست که بعد از ظهور دیوار های روی کوهها مرکز نقل آبادی ها در میان دو کوه بچه «آسه مایی» و «شیرد رواز» توسعه یافته و این امر بعد از قرون مسیحی صورت واقع بخود گرفته است.

همان طور که «وید» از رود کابل نام برده در «اوستا» هم در میان قطعات اراضی ۱۶ گانه، زمین هفتم بنام «ویکده ته» خوانده شده و اهل خبرت معمولاً آفرایادت از کابل میداند و یکی از پهلوانان حماسی آن «کرسسپه» بسیار معروفیت داشت و منشا نام ها و کارنامه های پهلوانانی که بعد تر ما به کابل و کابلستان نسبت داده اند از همین جا شروع شده است.

در واسط قرن سوم قبل از میلاد یکنفر از مورخان یونانی معروف به «ارادوستنس» از شهری درین حوالی نام می برد به اسم «ارادسپانا» یا «ارادسپنه» که دانشمندان بکلمت یکی از متون «پتلمیوس» جغرافیه نگار یونانی مصری قرن دوم مسیحی آنرا عبارت از شهر کابل تعبیر کرده اند. البته برخی موقعیت این شهر را کمی با این و نهالا

برده و جاهانی دیگری را هم پیش نهاد کرده اند مانند : «حصار اسکندری»  
 در نزدیکی های سرای خواجه و غیره ولی موقعیت شهر کابل با موقعیت جفرافیایی  
 «اورتسپانا» خالی از ملاحظه نیست. اهمیت موقعیت «اورتسپانا» ازین معلوم میشود  
 که روی راه های کاروان رفته ایم که به جانب هند و باختر و از کوزی «قندهار»  
 منشعب میشد قرار داشت و فاصله ها را معمولاً از روی موقعیت آن حساب میکردند  
 و همین ملاحظه «سرای بون» آنرا (چهارراه) خوانده و به این تعبیر واضح میشود که  
 شهر «اورتسپانا» که آنرا «کابل فعلی» میدانیم موقعیت مهمی سرد راه های کاروان  
 روست و این راه ها ازین شهر به چهارگردد افق بجانب هند و سمت بلخ و باختر  
 و بطرف حوزه آریخنداب و شهرهای آن حد و د منشعب میشد و موقعیت  
 کابل این خصوصیت را هنوز هم دارد و راه های این سه سمت از اینجا  
 میگذرد. البته این صفت را (حصار اسکندری) در حوالی (سرای خواجه) و (گرا) هم  
 هم داشته ولی مدققان تاریخ بیشتر متمایل اند که کابل عبارت از (اورتسپانا)ی  
 متذکره (ارتوستنس) بدانند و واضح جفرافیایی هم مویده این نظریه است.  
 بطلمیوس جغرافیای یونانی مصری که در قرن دوم مسیحی میل بیست در جمله  
 شهرها و قصبهات ولایت (بارو پامیزان) از شهری بنام (کارورا) ذکر میکند که دانشمندان  
 صورت تلفظ آنرا بشکل (کابورا) هم قبول کرده اند و برخی دیگر (کابورا) را اسم  
 باشندگان شهر (کارورا) تلفظ کرده اند. بطلمیوس (اورتسپانا) و (کارورا)  
 را عبارت از یک شهر میدانند و (کارورا) را به صفت (بازلیثوس) یعنی (شهرشاهی)  
 هم خوانده است. نظریات بطلمیوس در مورد شهر (کارورا) و (اورتسپانا) در  
 تاریخچه شهر کابل اهمیت فراوان دارد بخصوص که این شهر را (شهرشاهی) یاد  
 میکنند و تا اندازه زیاد اهمیت اداری و مرکزیت شهر را نمود میگردند. چون  
 در فهرست اسماء قصبهات جغرافیای نگار مذکور بعضی نقاط اطراف کابل مثل  
 (لوکرنا - لوگر) (ارگوده - ارغنده) (بگرد - وردک) را هم یاد کرده  
 و این سه نقطه را در گرد و نواح کابل عبارت از (لوگر) و (ارغنده) و (وردک)  
 میدانند نوشته های اوجاع به موقعیت و اهمیت (کارورا) و (کابورا) که (کابل)  
 باشد بیشتر کسب اهمیت میکنند و هویدا میگردند که نامبرده نه تنها از موقعیت شهر  
 مرکزی بلکه از نقاط مهم ماحول آن هم بی اطلاع بوده. آخرین تلفظ نام کابل  
 (کاول) و (کابل) است اولی در اثر تاثیر لهجه های (پراچی) و (اورد مری)  
 و در اثر مرکز یفتلی ها بجهان آمده و دومی در ادبیات پهلوی در متن (پنداهن)  
 ذکر شده. (کاول) و (زاوول) و (کاولستان) و (زاوولستان) را لابد شنیده باشید  
 این تلفظ ها از قرن پنجم مسیحی با یفتلی ها معمول گردید و همانطور که (زاوول)  
 (زابول) شد (کاول) هم (کابل) گردید و چون بعد از (کاول) ضبط (کابل) هم داریم  
 میتوان گفت که با ابدال (پ) به (ب) که قریباً اضرع هستند صورت ضبط و تلفظ (کابل)  
 بجهان آمده که تقریباً از هزار سال با اینطرف معمول و متعارف است. ۳۷۰۳۰۹۶



کوه شیر دروازه و دیوار هایی شهردر بالای کوه شیر دروازه  
از منظر پل یک پیسه گی کابل و نزدیکی های مسجد پل خشتی که قرار بود نام مسجد ما را هم  
مسجد جنرال ضیا الحق بگذارند. - عکس بردار باقی سمندر



کوه شیردروازه از منظرو شنگ پل محمود خان و نبش جاده محمد ولیخان .

مقاله مشتاد و بنکم:

## رتبیل شاهان کابلی

بعد از قرن سوم مسیحی در آنر ظهور ساسانی ها در غرب و ترکمان غربی در شرق قدرت دولت کوشانی در افغانستان به تدریج ضعیف شد. در قرن ۵ مسیحی با ظهور مردمان جدیدی بنام یفتل که ۲۰ هزار خانوار آنها هنوز امروز در شمال فیض آباد در بدخشان مسکنی دارند ترک ها و ساسانی ها هر دو عقب زده شدند و یفتلی ها اول در شمال و بعد در جنوب هندوکش در علاقه زابل یعنی بین غزنی و قندهار دولت های مقتدری بنیان آوردند و در هند فتوحات کردند تا با لاخره گوپتاها ایشان را پس به خاک افغانستان عقب نشانیدند و سپس از عناصر ترکیبی کوشانی های خورده و بقایای یفتلی ها یک سلسله امرای محلی در نقاط مختلف افغانستان به حکومت و سلطنت رسید که شیرهای بامیان نمونه می از آن دو دمان ما بود به خاطر باید داشت که امرای محلی کابل در ماخذ غربی علی العموم به لقب (کابل خدا) یاد شده اند که مقصد از آن همان (کابل شاهان) میباشد. این کابل شاهان را به خاندان ها و دسته های مختلف میتوان تقسیم کرد که در آن جمله یکی (رتبیل شاهان) را میتوان حساب کرد و شاخه آنها را به لقب (رایان کابلی) هم میتوان عنوان داد.

عرب ها از روزیکه به سرحدات غربی افغانستان تماس پیدا کردند یعنی از حوالی سال ۲۳ هجری (۶۴۵ مسیحی) تا زمان فتح کابل بدست یعقوب لیث صفاری در ۲۵۸ هجری (مطابق ۸۷۹ مسیحی) در حدود بیش از دو قرن پادشاهان کابل زمین را که در یک ساحه وسیعی در جنوب هندوکش امارت داشتند به نام یا به صفت (رتبیل) یاد کرده اند. به تعقیب ماخذ عربی در آثار ادبی و تاریخی متون فارسی هم امرای مذکور در قرن های اولیه هجری همه جا بنام (رتبیل) و (رتبیل شاهان) یاد گردیده اند.

این رتبیل شاهان در تمام ساحه وسیع جنوب هندوکش از کابل تا هامون سیستان یا به عبارات دیگر از (کابل) تا (زرنج) یعنی حواشی سرحدات امروزی افغانستان و ایران سلطنت داشتند و دارای قدرت زیادی بودند ولی بیشتر در کابل و به صفت امرای محلی کابل شهرت و معروفیت داشتند چنانچه علاوه بر ماخذ ادبی و تاریخی

تحریری در داستان های فولکلوری عوام کابل معروف بوده و هستند و حتی بعضی آبادی های روی کوه های شیر دروازه و شاخ برنتی را به ایشان نسبت داده و می‌دهند این داستان ها عامیانه در روشن کردن حقایق تاریخی مربوط به این شاهان کمک زیاد میکنند .

شبهه می نیست که کلمه «رتبیل» صورت ضبط و تحریر آن کمی دقت میخواهد و صورت تجلیل آن مطابقی را روشن میسازد . همه میدانیم که کلمه «رتبیل» در متون عربی و فارسی به صورت مختلف ضبط شده از قبیل «رتبیل» زرتبیل زرتبیل زنده بیل و غیره . این اختلاف ضبط به گمان غالب ناشی از شیوه رسم الخط عربی است که در هر دو زبان عربی و فارسی ضبط و تحریر صحیح اسما و اعلام تاریخی و جغرافیائی را مشکل ساخته و کلمه می مانند (رتبیل) با جا بجا شدن نقطه های (ت) و (ب) و (ی) تغییر میکنند و صورت های مختلف بخود میگیرند چنانچه مثال های آنرا داریم .

چون رتبیل شاهان از نظر دین بیر و آئین هندوئی بودند و در سلسله هندو شاهان یا پادشاهان کابل می آیند گمان غالب برین می رود که اسم (رتبیل) که از تباطی به نام های هندوئی کابلی داشته باشد از احتمال بیرون نیست که در ترکیب این کلمه اسم خاص «رتبیل» یا «رای پاله» دخالت داشته باشد «رتبیل» که يك نام خاص هندوئی است به تسمیه «رتبیل» شباهت زیاد دارد و به سهولت میتوان از «رتبیل» «رتبیل» ساخت همین قسم «رای پاله» هم در تشکیل کلمه «رتبیل» دخالت داشته میتواند «رای» به معنی «شاه» و «رانی» «ملکه» را میگفتند و «پاله» نام خاندان بود، از ترکیب «رای پاله» و «رای پال» که آنرا (شاه خانواده پاله) میتوان ترجمه کرد میشود به اسانی کلمه «رتبیل» را بمیان آورد .

بهر حال صورت تشکیل این کلمه هر چه بوده باشد این قدر به صراحت میتوان گفت که «رتبیل» نام خاص کدام پادشاه بوده و مقصد از ماخذ عربی و فارسی تنها بکنفر پادشاه محلی کابلی نیست بلکه مقصد از آن چندین پادشاه و دودمانی از پادشاهان محلی کابل است که در حدود قرن کابل از کابل به تمام نواحی جنوبی و غربی افغانستان در جنوب هندو کش سلطنت کردند و ما از تاریخ افغانستان قبل از اسلام معمولاً ایشان را به دو دسته تقسیم میکنیم «۱» رتبیل شاهان «۲» رایان کابلی این هر دو دسته از نظر عرق و نژاد مخلوطی بودند از بقایای کوشانی های خود و یفتلی ها که در بسیاری از نقاط افغانستان امارت های محلی بمیان آوردند و تا ظهور اسلام در حوزه های خود امارت نمودند منتها این دودمان اخیر آئین هندوئی و برهمنی داشتند چنانچه امرای محلی بامیان با شیرهای بامیان بودایی مذنب بودند .

شبهه می نیست که مرکز و پایتخت رتبیل شاهان شهر کابل بود یا بهتر تر بگوئیم  
 « قلعه کابل » شبهه نیست که بقتل شاهان در طی قرن ۵ مسیحی به قصد انتقال پایتخت  
 از بگرام به کابل افتادند و به تعمیر قلعه در محل بالا حصار کابل صرف مساعی کردند  
 و حصار روی کوه های شهر را کشیدند و رتبیل شاهان که بجای ایشان به امارت  
 رسیدند مرکز حکمرانی خود را در قلعه کابل قرار دادند و در استحکام قلعه و باره  
 و بروج آن و در استحکام دیوارهای بالای کوه ساخت مجاهدت نمودند .  
 بیشتر اشاره نمودم که مادرتاریخ افغانستان قدیم رتبیل ها را به دو دسته تقسیم  
 میتوانیم یکی رتبیل شاهان کابلی و دیگری را بان کابلی هر دو دسته این سلاله  
 به سرب ساسا و سبسا ، اسیز امسی غسلا نسبت سرب و عسبی  
 با سلاله مسلمان صفاری های سیستان جنگ های سختی در نقاط مختلف مخصوصاً  
 بین غزنی و لوگر و کابل بعمل آوردند که خاطره های آن با جزئیات در متون تاریخی  
 درج است . رتبیل شاهان کابلی سخت در مقابل عرب ها جنگیدند و کابل مدت دو قرن  
 مقاومت های شدیدی نشان داد و در یکی از جنگ ها قشون چهل هزار نفری اعراب  
 بکلی در حوالی بین کابل و غزنی بقتل رسیدند و اینکه به مقبولیت صفاری آنهم در اثر  
 حمله های عربی آخرین رتبیل شاه را در حوالی غرب کابل در طی دعوت به مصالحه  
 گرفتار کرد و کابل در حوالی ۲۵۸ هجری مطابق (۸۷۹ مسیحی) در نلت سوم قرن نهم  
 میلادی بدست امیر مسلمانی از نواحی غربی خود افغانستان فتح شد . معذالک بقایای  
 رتبیل شاهان بکلی مضمحل نشدند چنانچه تاریخ در زمان برادر و جانشین یعقوب  
 یعنی عمرایت صفاری از جنگ های دیگری بار رتبیل شاهان در حوالی غزنی و لوگر  
 ذکر ها میکند .

۴۱۳۰۲۹



کوه شیر دروازه و دیوار های کابل و کاسه برج بالاحصار و تخت شاه زنبورک – بلند ترین قله ای  
پربرف از منظر مراد خانی کابل- عکسبردار باقی سمندر.



تخت شاه زنبورک – بلند ترین قله ای پر برف از منظر ویسل آباد منطقه باغچه گک ها – عکسبردار  
باقی سمندر در ویسل آباد چهاردهی

## کوشانی‌ها در تاریخ افغانستان

### کوشانشهر

با ابعاد وسیع و دامنه تحقیق و انتشار کتب تاریخی چه درسی چه مسلکی و اقلی امروز کسی در افغانستان نیست که نام (کوشان) و (کوشانی) را نشنیده باشد. این نام بلند آوازه است و آوازه معروفیت آن در کشورهای مجاور در خاک‌های دور افتاده رسیده است.

کوشانی‌ها بنام عنصر (سیتی) یا (یوچی) از آسیای مرکزی برخاسته در افغانستان به تشکیل سلطنت مقتدری پرداخته و در خاک‌های پهناور نیم قاره هند و پاکستان به فتوحاتی موفق شده اند.

پس روی هم رفته تاریخ کوشانی‌ها سه مرحله دارد که اول آن در آسیای مرکزی سوم آن در نیم قاره هند و پاکستان میگذرد و قسمت عمده که مرحله وسط آن است در افغانستان سپری شده است. و این مهمترین دوره یا مرحله تاریخ کوشانی است که در طی آن کوشانی‌ها در سرزمین مدنیته خیز افغانستان خوبی و پوی و زندگیانی بدوی خویش را گذاشته و با تماس با سرزمین مدنی باختر و مردمان متتمد آن دارای نظام سلطنتی و دین و فرهنگ و رسم الخط و ادبیات و هنر و صنایع و ابداعات مجلدی گردیدند.

قرار یکه منابع شرقی (چینی) و منابع غربی (یونانی) نشان میدهند کوشانی‌ها در آنرچنگک های شندی که با هیوا تگنوها (منها) بعمل آوردند در حوالی ۱۳۸ ق م در گرد و نواح فرغانه رسیده و در حوالی ۷۰ ق م در آمو را گذشته در باختر جای سلاله پادشاهان یونان و باختری را گرفتند. مهمترین کانون رهایش ایشان در شمال هند و کشمیر و بلان بود که آثار و شواهد آئین و فرهنگ کوشانیان از نقاط مختلف آن کشف شده میرود.

در حوالی ۵۰ ق م کوشانی‌ها وارد حوزه کابیس و کابل شدند و جای آخرین پادشاه یونانی کابل را گرفتند و بساط شهر جدید و مستحکم را در جوار شهر یوقانی بگرام گذاشتند و این شهر پایتخت تا بستانی سلاله کوشانی‌های بزرگ شد.

پایتخت تا بستانی ازین جهت گفتیم که کوشانی‌های بزرگ غیر از بگرام دومر کرد بگرام هم داشتند یکی در (باروشا پورا) یعنی پشاور و دیگری در یکی از نقاط وسطی گندهارا.

دوره کوشانی‌های بزرگ از حوالی ۵۰ قبل از آغاز عهد مسیح تا ربع اول  
 قرن سوم عهد مذکور در قرن کابل را دربر میگیرد و این دو قرن در تاریخ  
 افغانستان قدیم یکی از دوره‌های بزرگ بشمار میرود و همانطور که ایران ساسانی  
 در عصر ساسانیان به (ایران شهر) مسمی شده بود افغانستان عهد کوشانی‌های بزرگ  
 به (کوشا شهر) معروفیت یافته بود .  
 بعد از اینکه کوشانی‌ها در کوشا شهر مستقر و برقرار شدند دامنه کشور کوشانی  
 خویش را بیشتر به شمال شرق (ترکستان چینی) یا سنکیاننگ، و بطرف شرق در خاک  
 های نیم قاره هند و پاکستان بسط دادند .  
 دوره کوشانی‌های بزرگ در تاریخ افغانستان قدیم يك دوره بزرگ  
 سمرانی، مذهبی، هنری و ادبی است که آثار و شواهد آن بصورت مسکوکات، معابد،  
 استوپه‌ها، میکل تراشی‌ها کتیبه‌ها باقی مانده و مطالعه هر دسته متروکات  
 آن دوره فصل‌ها و رساله‌ها و کتاب‌هایی بکار دارد .  
 دوره کوشانی‌ها از آن جهت بصفت (بزرگی) یاد میکنند که در عصر مذکور  
 در هر رشته از رشته‌های حیاتی و مدنی و مذهبی و فرهنگی کارهای بزرگ و بی‌سابقه  
 به در کوشا شهر (افغانستان آن عصر) و چه در خاک‌های مفتوحه بعمل آمده است. از این  
 دوره مجلل‌ترین معابد بودایی چه در گنده‌مارا اهد و پشاور، چه در کاپیسا در اطراف  
 بهلوان کوه بگرام و در توب دره قرب چاریکنار چه در بامیان و سایر نقاط  
 بعمل آمده. این معابد منحصر به بودیزم نبود زیرا سایر ادیان و مذاهب در این عصر  
 آزادی داشت و یکی از مجلل‌ترین معابد غیر بودایی این دوره آتشگاه سرخ کوتل  
 است که از شش سال با اینطرف در شمال افغانستان کشف شده .  
 مہلغان کوشانی افغانستان آئین بودایی را تا اقصای شرق آسیا منتشر ساختند .  
 معماری با پیرویه‌های مذهبی خود باعث ظهور مجلل‌ترین بناها و گنبد ها گردید  
 که از دیدن بقایای برخی از آنها امروز هم استعجاب دست میدهد .  
 میکل تراشی و تراش میکل‌های بزرگ عظیم البته بسیار معمول بود مدرسه میکل  
 سازی یونانی بودایی افغانستان در دو قرن مخصوص عهد کوشانی ترقی بی‌سابقه  
 کرد . خود کوشا نشاهان به ساختن و تراش مجسمه‌ها و تندیس‌های خویش و اعضای  
 خاندان سلطنتی اعمت زیاد میدادند و شواهدی از نقاط مختلف افغانستان بدست  
 آمده است که این حقایق را ثابت میکنند .  
 دوره کوشانی‌های بزرگ از نظر سیاست و اداره و مملکت داری یکی از دوره  
 های بزرگ تاریخ افغانستان قدیم محسوب میشود و هرگز کشف يك پارچه جدید  
 میکل تراشی، کتیبه، مسکه و مدال و غیره سند دیگری بر استناد سابق می‌افزاید  
 که عظمت دوره کوشانی‌های بزرگ را در تاریخ افغانستان و در تاریخ این گوشه  
 شرق و آسیا مسجل میکنند .

۳۸/۱/۵



شما یک گوشه آسه مایی را در پشت فابریکه حربی ای جنگ زده و خراب شده و مطبوعه صکوک در منطقه باغ الم گنج مقابل شفاخانه ابن سینا یا گندنا میبینید که جوی شیر و مخزن نمبر یک نل آب پغمان و نخاس و در دامنه آن قرار دارد. دریای کابل خالی بوده و محل ایست برای خوابیدن معتادان مواد مخدر و در چند قدمی دست چپ عکس زمانی کوتی لندنی یا نخستین محل رادیو کابل قرار داشت. حالا هم دفتر هلال احمر در آنجاست ولی از بام تا شام معتادان را کارمندان ورپیسه هلال احمر میبینند. توگویی مرده را دریای بی آب میبرد و شل غم میخورد.

حالا دریای کابل مانند زمامداران بی آب است.

عکس بردار باقی سمندر



شما در این عکس دیوار های خراب شده کوه شیر دروازه را در منطقه کوره گاه بالای یخدان نزدیکی پل آرتل میبینید. دیوار از پایان از سر بالا جوی بکلی تخریب شده و در بالا سه جای آن برای سرک وموتر رفتن قصدن تخریب گردیده است تا منطقه کوره گاه را با بخش از گذر گاه و کوه توپ چاشت وصل نمایند. تمام منطقه کوه از پل آرتل تا علی ملنگ توسط زورمندان دولتمدار غصب شده و بعدن بفروش رسانیده شده است. سر و آغاز دیوارکوه شیر دروازه از منطقه کوره گاه که از نزدیکی پل آرتل بسوی یخدان دیده میشود و پایان دیوار در منطقه قول غار سنگی و شهدای صالحین به نزدیکی قبر نداف است.

در مورد قبر نداف بعدن سخنی دارم از زبان میرویس فرزند حاجی آغا گل ونواسه کاکا خیر محمد و کواسه کاکا یار محمد باشنده ویسل آباد.



کنج راست بالای گردنه غار سنگی و برشناکوت و قبر نداف است. دوپایه برق از نخلو و سروبی و ماهیپیر در بالای کوه شیردروازه معلوم میشود. این یک طرف کوه شیردروازه است که منطقه ویسل آباد در دامنه و نزدیکی آن قرار دارد و در پشت کوه و آنطرف قبر نداف و آن طرف گردنه ای غارسنگی منطقه شهدای صالحین، و طرف راست از اینجا که نمی توانید ببینید، از شهدای شهدای صالحین منطقه ساک و شاخ برنتی و شیوه کی و چکری و خرد کابل و بت خاک و طرف ادامه شیوه کی چهار آسیاب و بعدن پل علم و لوگر قرار دارد.



کوه آسه مایی و شیر دروازه و بخش از شاه زنبورک از منظر قول آشپزخانه در ویسل آباد.



در این قبرستان از آرامگاه کاکه ملنگ تا عبد الوهاب و میرزا عبد العلی و میرزا حبیب الله و میرزا عبدالرحیم تا قاضی زیورالدین و فرزندش سید خلیل الله زیوری تا یاور محمود خان یاورشاه امان الله و هزاران نفر دیگر به شمول عده ای از شهدای جنگ اول و دوم افغان و انگلیس و شهدای دوران تهاجم شوروی و شهدای دوران زمامداری حزب به اصطلاح دموکراتیک خلق و احزاب و تنظیم های هفت گانه و هشت گانه و جنبش ملی و اسلامی و طالبان به خواب ابدی رفته اند. در اینجا نیز قبر های دسته جمعی مانند لیسه ابن سینا و مسجد حاجی عبد الرحمن در منطقه چارباغ گوشه پارک زرنگار کنونی وجود دارد که زمانی مورد تحقیق باید قرار گیرند.

جا دارد تا تذکر بدهم که :

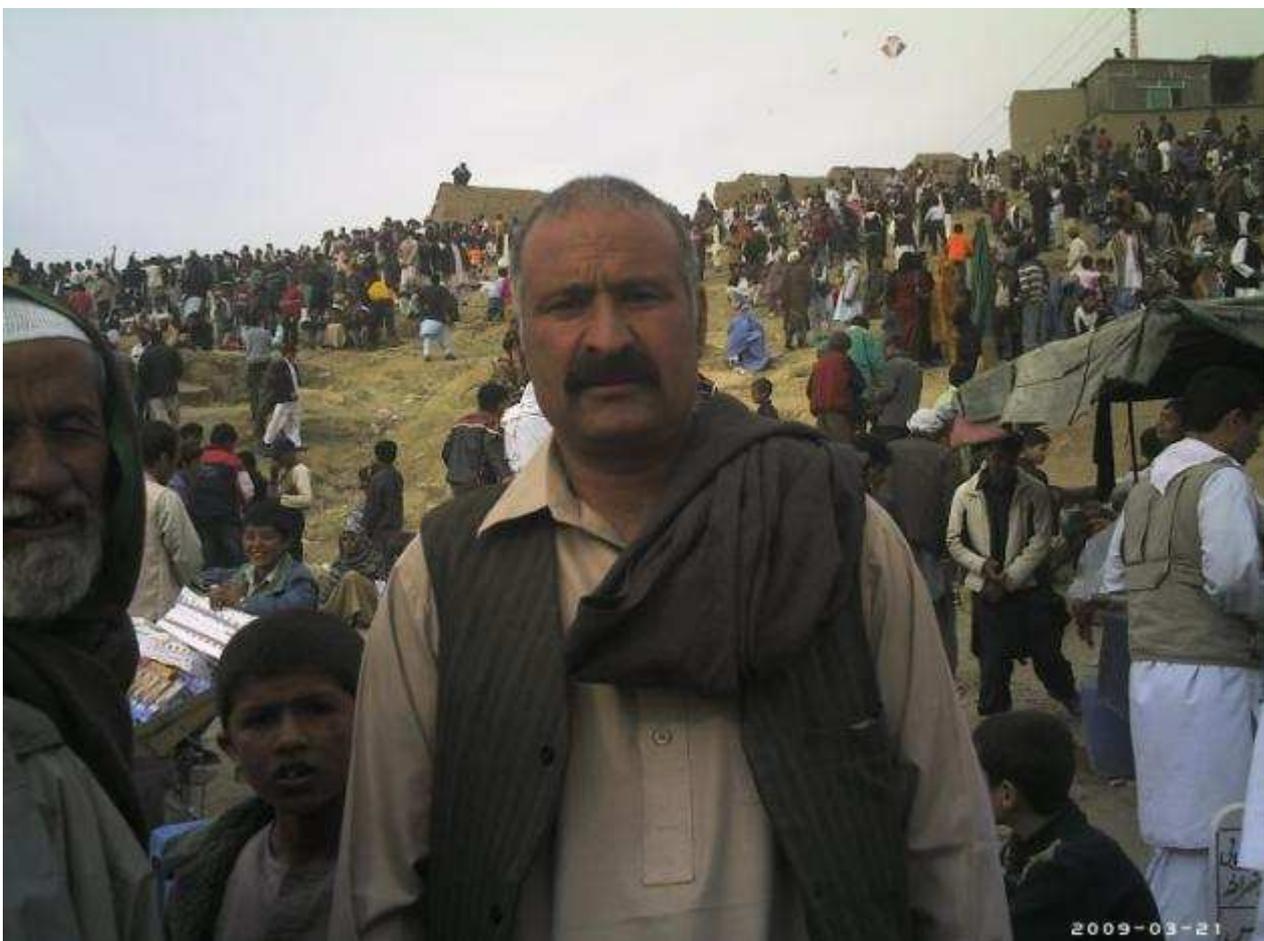
مردم این دهکده در سال 1343 وقتی که سرای میر علم حیدری و سید حبیب الله و احمد شاه را کسانی عمدن سوختانده بودند، به کمک تجاران و دکانداران در سرای های سوخته شتافتند و در سرای میر علم حیدری نخست به کمک کاکا پرانات ، مدن لعل ترن و نانک چند و همه لاله ها و سردار های هر سه سرای شتافتند و ماه ها به شکل داو طلبانه در میان آتش و خاکستر برای همه مردم کمک نمودند.

در آنطرف کوه منطقه شهدای صالحین است و در آنجا از نخستین شهدا مانند تمیم انصار و جابر انصار ولی و تا هزاران نفر دیگر به خواب ابدی رفته اند. در آنطرف کوه شیر دروازه از تاریخ نگار زبر دست افغانستان میر غلام محمد غبار تا عبد الرحمن محمودی فقید تا استاد سرآهنگ سرتاج موسیقی تا محمد عالم شاه خان پادشاه بخارا به خواب ابدی رفته اند. هزاران نفر در دو طرف دیوار های شیر دروازه در گورستانها خوابیده اند.

در پشت نفر ایستاده در عکس بالایی در کنار کناره مقبره درخت های برشناکوت را میبینیم.. در بالای آن در قول غار سنگی و بعدن پایان دیوارها در کوه شیر دروازه در حد قبر نداف و پایه های برق.

قبر نداف را بالای غار سنگی در بالای کوه شیر دروازه، قبر بابه کیدانی را در منطقه کوچه سکهه بچه های قدیمی که پیوسته به خیابان و منطقه چهارچته و نزدیکی های کوتوالی بود و قبر پیر بلند را که در نزدیکی های باغ بالا قرار دارد، انگلیسها در زمان طالبان دوباره کشیدند و اشیای گرانبهائی را در دوران جمگ دوم افغان و انگلیس دفن و گور نموده بودند ، جمع نموده و بردند. شاهدان عینی وجود دارند. در پایان آن طرف قبر نداف شهدای صالحین است ، میبینید.

قبر نداف پایان دیوارهای شیردروازه در بالای کوه میان ویسل آباد و شهدای صالحین است.



میرویس به چشم سر دیده است که چگونه قبر نداف را خالی ساختند !

در پایان طرف دیگر دیوارهای شیردروازه را که منطقه شهدای صالحین است ، میبینیم.

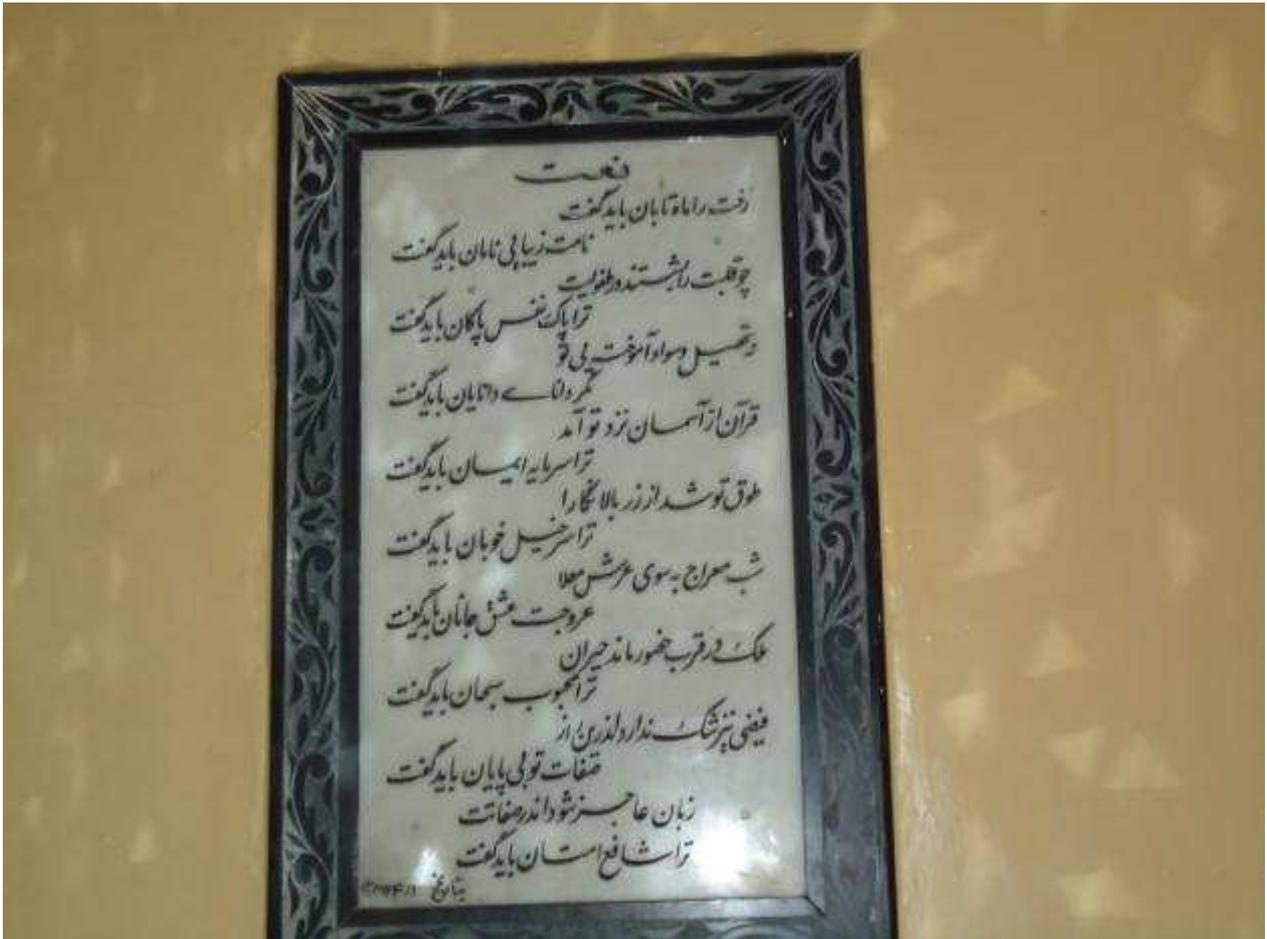
من می توانم برای هر عکس یک تبصره بنویسم اما بخاطر اینکه خاطر شما را ملال انگیز ننموده باشم ، از این تبصره ها تا حد امکان میگذرم.

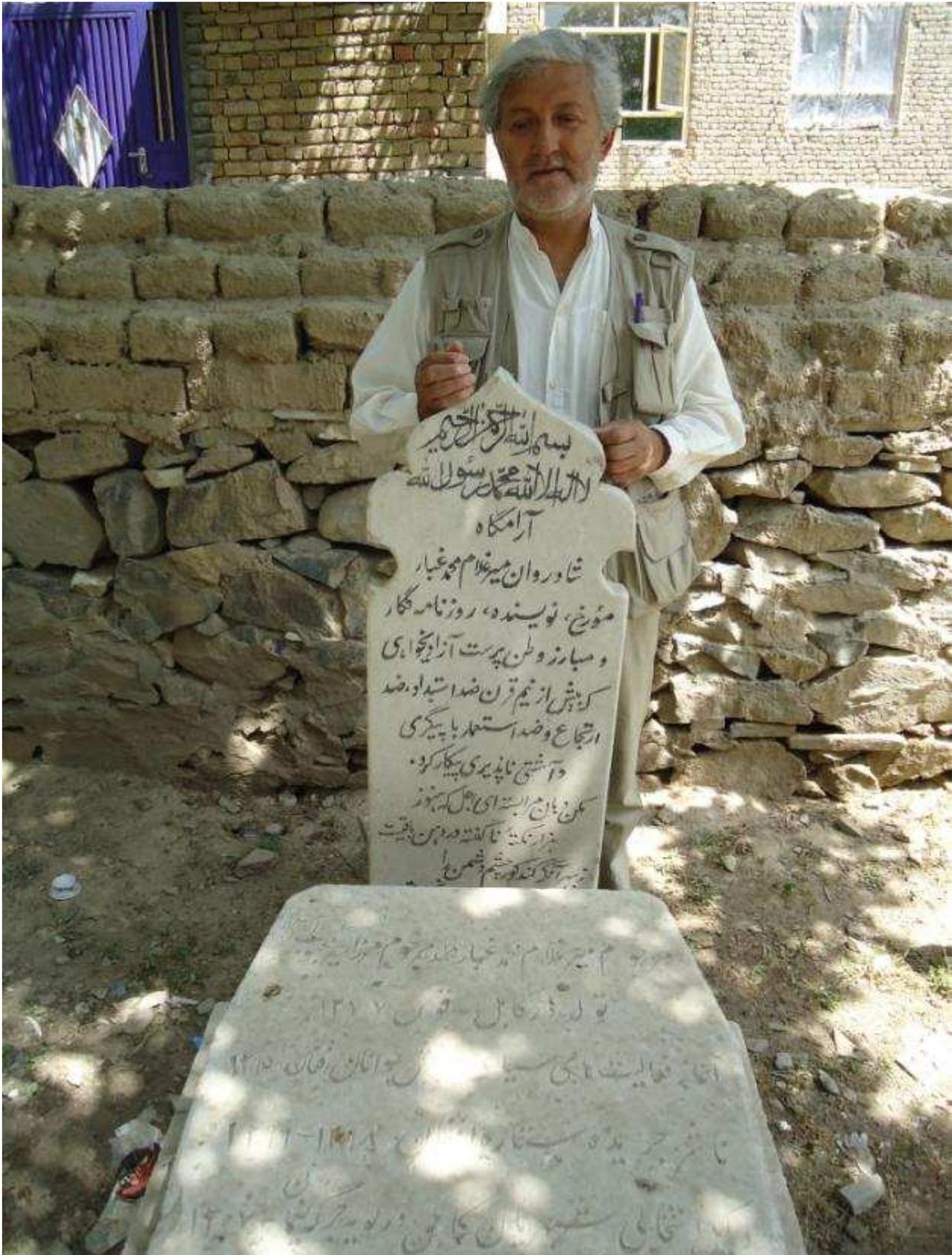


باقی سمندر در شهدای صالحین یا طرف دیگر کوه شیر دروازه.



تابلوی داخل مرقد در شهدای صالحین.





آرامگاه شاد روان میر غلام محمد غبار که "افغانستان در مسیر تاریخ" را بما میراث گذاشت و خودش در دامنه دیوارهای کوه شیر دروازه در بخش شهدای صالحین آرام خفته است.





آرامگاه شاد روان استاد سر آهنگ در گوشه از شهدای صالحین. تو حدیث مفصل از این مجمل بخوان.



آرامگاه شادروان ساربان که از پشاور به شهدای صالحین انتقال داده شد.



آرامگاه احمد ظاهر شهید در شهدای صالحین. طرف دیگر کوه شیر دروازه.



آرامگاه ناهید ساعد شهید. ناهید جوانمرگ.

چه تعداد دیگری از انسانهای این مرز و بوم کابل در دو طرف دیوار های شیر دروازه و آسه مایی باز خواهند خفت تا این وطن و وطن شود ؟







مسجد جامع استاد قاسم درکوچه خرابات.



نان وای کوچه خرابات که با سر بلند سر پرچال نان وایی نشسته و در شور بازار یا کابل قدیم ما را به نان چاشت یا یک شوربای جانانه مهمان ساخت. یادش بخیر.



نان پز و نان کن وواز بر درکوچه خرابات



هندو گزر



هندو گذر در شور بازار و کابل قدیم.

در پایان هم مسجد شریف جامع شاه نقشبند را در منطقه هندو گذر میبینید که دیوار به دیوار در مسال قرار دارد. در اینجا شما تسامح و بردباری متقابل انسانها را در یک کوچه و دو عبادت گاه میبینید.

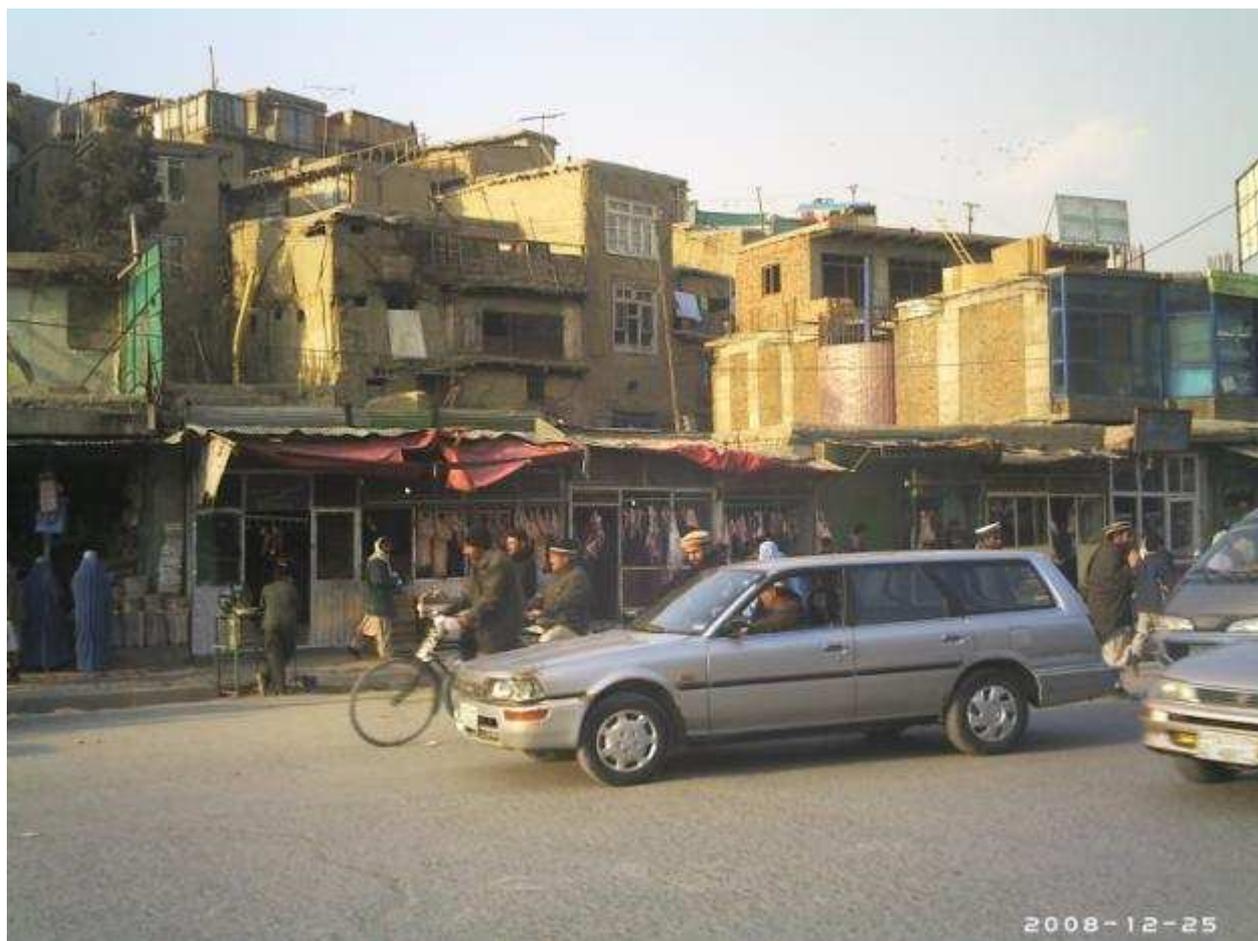
ایک طرف مسجد ، ایک طرف اوسکاگهر!



مسجد جامع شاه نقشبند و درمسال ای که دیوار به دیوار قرار دارند. هندو گذر.  
همه عکسبرداریها از باقی سمندر است.



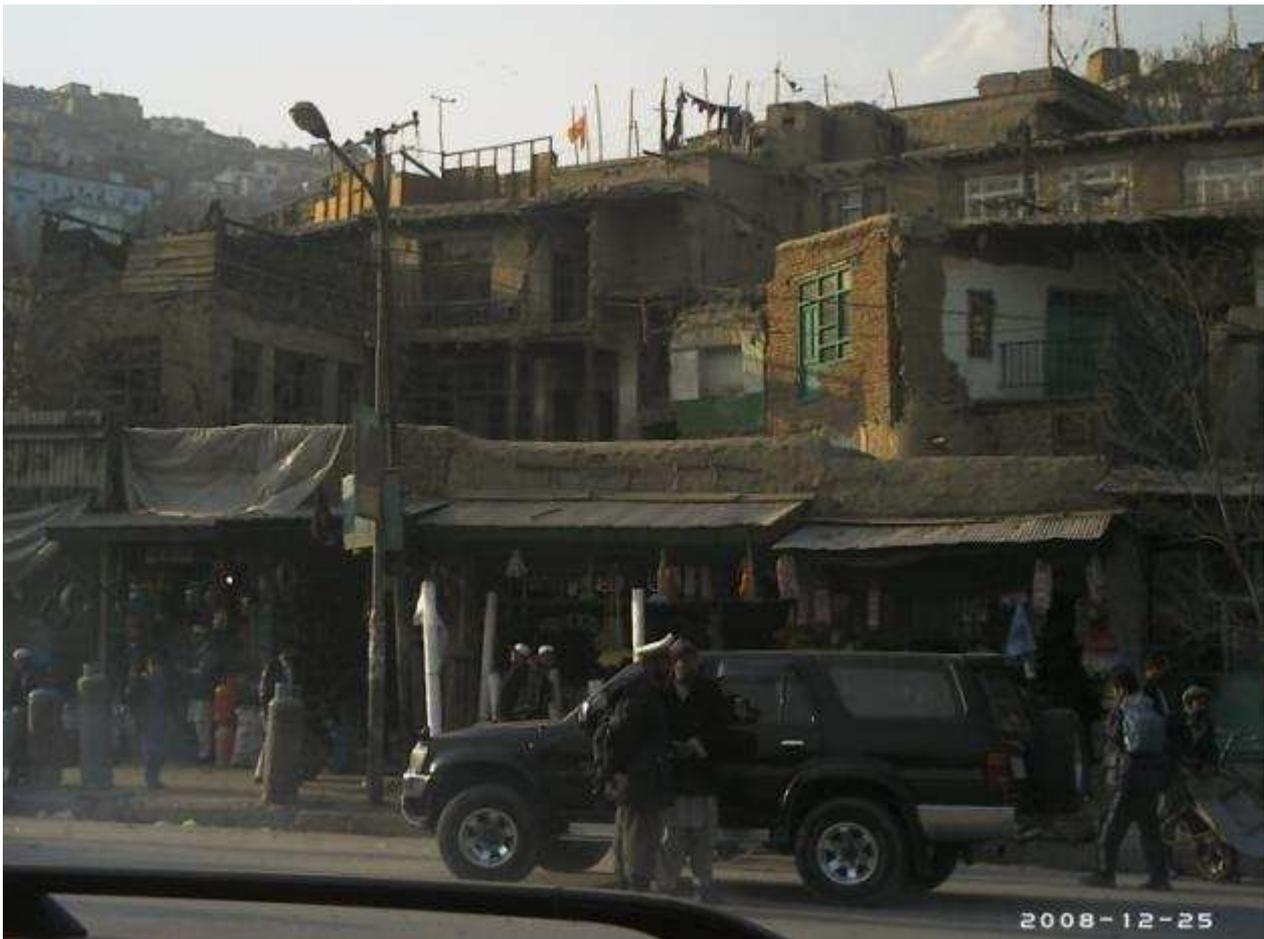




بخشهای از کابل قدیمی در ده افغانان.



ده افغانان کابل و خانه های قدیمی و دیوار های بیره ای و سنجی.



ده افغانان کابل یا کابل قدیم با دیوار های سنجی و بیره ای. عکسبرداری در همه این گزارش از باقی سمندر است.



ده افغانان کابل.

عکسبردارد باقی سمندر

در پایان شما کوه شیردروازه و دیوار های کابل و پیوست به آن تخت شاه زنبورک و در پایان قله شاه زنبورک - کاسه برج و بلندی بالاحصار کابل را میبینید.

عکسبردار باقی سمندر از منظر گذر مراد خانی



کوه شیر دروازه- تخت شاه زنبورک – کاسه برج بالاحصار/

در دامنه شیر دروازه خواجه صفا قرار دارد و دامنه تخت کوه شاه زنبورک شهدای صالحین واقع شده است.. در لب دریای کابل از پل یک پیسه گی به سراجی و ریخته گری و مندوی کهنه تا هنوز راه رفت و آمد وجود دارد.



کوه شیر دروازه و تخت شاه زنبورک از منظرزنده بانان و منطقه پوستین دوز ها و یا نزدیکی مکروریان یک یا کهنه-

قوای سواره افغانی را در بالای بایسکل و یا دوچرخه و قوای سواره امریکایی را در موتر های هامر میبینید. دیوار های دفاعی کابل بالای کوه شیر دروازه و آسه مایی بر ضد سم ستوران و شمشیر زنان بوجود آمده بود و برضد مهاجمین دیگر چه نوع دیواری بایست ساخت؟

. عکسبردار باقی سمندر



کوه آسمایی به سمت راست و شیر دروازه به سمت چپ و کوه پغمان در دور نما از نزدیکی پل یک پیسه گی و منطقه مراد خانی و زیارت ابوالفضل عکسبرداری شده است.

عکسبردار باقی سمندر



کوه پغمان- در دورنما و آهن های کهنه در پشت دیوار های وزارت دفاع ملی افغانستان.  
عکسبردار باقی سمندر



دور نمای کوه آسه مایی به سمت چپ و گردنه سرای شمالی و گردنه سخی و دهمزنگ و به دست راست تپه کلوله پشته و در دورنما هم کوه پغمان از منظر مراد خانی – عکسبردار باقی سمندر



کوه آسه مایی از جاده محمد ولیخان.

دیوار های کوه شیر دروازه و تپه توپ چاشت در گذر گاه کابل/ عکسبردار باقی سمندر







دیوارهای قدیمی بالای کوه شیر دروازه که بیشتر از هزار سال عمر دارند و نمایانگر زندگی مردم دلاور براه مقاومت و دفاع از خود بوده است.